

مطالعه کیفی بازنمایی پیامدهای اقتصاد مرزی در زندگی مرزنشینان کردستان

رشید احمدرش^{۱*}

سیروان عبدهزاده^۲

چکیده

این مقاله در پی مطالعه پیامدهای منفی سیاست‌های مختلف اقتصادی در مناطق مرزی کردستان، با تاکید بر بازچه‌های مرزی است. سوال محوری مقاله این است که سیاست‌های اقتصادی در مناطق مرزی بانه و مریوان چه پیامدهای منفی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به همراه داشته است. روش تحقیق کیفی و فن مصاحبه و مشاهده برای گردآوری داده‌ها و مطالعه زیست جهان مردمان این منطقه استفاده شده است. جهت تحلیل داده‌ها، روش نظریه زمینه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. داده‌ها در دو بخش توصیفی و تبیینی، تحلیل شده‌اند. در بخش اول، یافته‌های توصیفی چون سن و تحصیلات، توصیف شده و در بخش تبیینی، بر پایه مصاحبه‌ها و براساس مدل پارادایمی راهبردها و پیامدهای پیده اصلی پژوهش تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی در مناطق مرزی از لحاظ اشتغال متناسب و متوازن نبوده و بیشتر افراد دارای نفوذ و قدرت از آن سهم برده‌اند. در بخش درآمد وضعیت افراد در اوایل به نسبت امروزه خیلی بهتر بود، ولی امروزه درآمد آنان به شدت کاهش پیدا کرده است. قاچاق کالا به نسبت قبل از اجرای سیاست‌های اقتصادی کم‌رنگ‌تر شده است، ولی باز به دلیل سیاست‌هایی چون بستن بازارچه‌ها قاچاق از بین نرفته است و کماکان کم و بیش ادامه دارد. مشاغل تولیدی- صنعتی خرده‌پا به شدت تحت تاثیر و تحلیل رفته است و رشدی منفی داشته است. یکی دیگر از پیامدهای این سیاست‌ها، بحث افت کمی و کیفی تحصیلات جوانان است، که شدت آن با اوج رونق بازار و تجارت مرزی همزمان بوده است. از دیگر پیامدهای منفی سیاست‌های اقتصادی، بحث اجتماعی ذهنیت‌یابی پولی مردمان این نواحی است که پول و مالکیت فردی به یکی از علل وجودی ارزش و شأن اجتماعی و قدرتمند شدن بدل شده است. مقوله هسته نیز با توجه به دیگر مقولات و مشمولیت آنان تحت عنوان: "رشد خرده بورژوازی رانتیر و شکنندگی زندگی اقتصادی-اجتماعی مرزنشینان" صورت بندی شده است.

واژگان کلیدی: تجارب زیسته مرزنشینی، سیاست‌های اقتصادی، بازارچه‌های مرزی، مناطق مرزی، کردستان

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی، پردیس شهید مدرس دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. rahmadrash76@yahoo.com
۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مطالعات توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران. sirwanabdezhadeh@yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

در حال حاضر حق توسعه به عنوان یکی از انواع حقوق بشر محسوب می‌شود که شامل برخورداری انسان‌ها جهت مشارکت در سطوح مختلف جامعه و حق دریافت کمک و بهره‌مند شدن از مواهب و مزایای توسعه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است (Streetn, 1997:56). در معنی ساده‌تر، می‌توان توسعه را رشد همراه با عدالت اجتماعی دانست (Hadder, 2003:3). با این وصف، غالب مناطق مرزنشین در ایران، به دلیل شرایط طبیعی و ماهیت توسعه نیافتگی در زمره مناطق منزوی به شمار می‌روند (محمودی، ۱۳۸۳). بدین معنا مناطق مرزی به دلیل قرار گرفتن در جاهای کوهستانی و بیابانی و نداشتن زمین‌های مرغوب برای کشاورزی، دور افتادگی و در حاشیه بودن، پراکندگی جمعیت و شرایط اقلیمی نامناسب زمینه‌ساز مشکلات زیادی برای ساکنان آن، از قبیل به حاشیه رانده شدن، نبود درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه و پایین بودن وضعیت رفاهی افراد و مواردی از این قبیل است (وزارت بازرگانی، ۱۳۷۹).

آنچه جهت رفع این معضلات مورد عنایت دولت ایران و اکثریت دولتمردان دیگر قرار گرفت، تاسیس بازارچه‌های مرزی است. منطق پس این دیدگاه بیان می‌داشت که، بالندگی و حرکت در مسیر توسعه این مناطق تمرکز بر روی مبادلات بازرگانی و ایجاد بازارچه‌های مرزی می‌تواند به عنوان دروازه‌های اقتصادی عمل کرده و محرک خوبی برای افزایش مبادلات رسمی، شکوفایی مزیت‌های نسبی و گسترش همکاری‌ها و توسعه بازارهای بین منطقه‌ای، تثبیت قیمت‌ها، جهت‌دهی سودهای تجاری، افزایش اشتغالی و رفاه برای جامعه روستایی مرزنشین باشد (کامران، ۱۳۸۹؛ زرقانی، ۱۳۹۱). این بازارچه‌ها ضعف اقتصادی موجود در محدوده مرزها را جبران و از خالی شدن روستاهای حاشیه مرزها جلوگیری می‌نمایند. همچنین، پخش منافع توسعه به مناطق پیرامون، زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌گردد (پال^۱، ۲۰۱۱). از این رو، برنامه‌ای کردن چنین مبادلات و جریان‌هایی در نوع خود توسعه و گسترش بازارهای محلی، ایجاد صلح و ثبات در مناطق مرزنشین و بالاخره بهبود امنیت و زیرساخت‌ها و خدمات مورد نیاز منطقه را به همراه دارد (مراتب، ۱۳۸۴). چون اقتصاد مناطق مرزی می‌تواند نقشی اساسی در ترقی و پیشرفت توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد، ایجاد روابط دوستی و آشنایی بیشتر، تسریع همکاری‌های بیشتر بین نواحی مرزی داشته باشند (چاندویت^۲، ۲۰۰۴)، کشورهای بالایی که دارای سطح بالایی از آزادی در تجارت هستند، معمولاً ثروتمندتر از سایر کشورها هستند. بنابراین، تجارت می‌تواند فقر را شناسایی،

1. Pal

2. Chandoevrit

نابرابری‌ها را کاهش و آزادی را به میزان بسیار زیادی افزایش دهد (فانگا فانگا^۱، ۲۰۰۷). اما آنچه مساله‌ساز بوده پیامدهای تاسیس این بازارچه‌های مرزی است؛ که به روشنی می‌توان نمودهایی از بیکاری گسترده، اشتغال کاذب و رو به اقتصاد سیاه، فرسایش رفتن حوزه فرهنگ، ایجاد شکاف‌های عمیق طبقاتی؛ به علت رانت‌خواری، نبود چهارچوب مشخص برای توسعه یافتگی و در نتیجه توسعه نیافتگی این مناطق اشاره کرد؛ اهداف بازارچه‌های مرزی که درصدد بود ارتباط سالم و مستمر تجاری با کشورهای همسایه، ایجاد رونق اقتصادی، بالا بردن ضریب امنیتی مرزهای کشور، شکوفایی استعداد محلی، ایجاد و گسترش مشاغل مولد و افزایش رفاه مرزها و توسعه مناسبات سیاسی و تجاری با کشورهای همسایه و همچنین جلوگیری از قاچاق کالا را با خود به ارمغان آورد (آیین‌نامه بازارچه‌های مرزی، ۱۳۷۱)، به طور کلی دستخوش تغییر کرد. شواهد تجربی، حکایت از آن دارد که هر چه درجه‌ی توسعه‌یافتگی کشوری بیشتر باشد، اندازه‌ی نسبی اقتصاد سیاه آن کشور، کاهش می‌یابد (اشنایدر^۲، ۲۰۰۵)، که در این مناطق شاهد نتیجه معکوس هستیم.

بنابراین، برای ارزیابی سیاست‌های اقتصادی دولت در قبال مناطق مرزی که در چندین دهه شاهد آن بوده‌ایم؛ به درستی می‌توان در زیست جهان مردم آن مناطق وارد شده و لایه‌های پنهان آن را شناسایی نمود و دستاوردهای امروزی را در مقابل چشم‌انداز و اهداف اجرای این عمل اقتصادی مرزی قرار داد و زندگی مردم آن نواحی را ترسیم کرد. بازارچه‌های مرزی مریوان و بانه از قبیل باشماق، دره‌وران، کانی‌چنار و سیران‌بند که هم‌مرز با کشور عراق می‌باشند، از جمله بازارچه‌هایی هستند که با هدف افزایش رفاه در مناطق مرزی استان کردستان تأسیس گردیده‌اند. مشاهده مشارکتی و مطالعه تجارب زیسته مرزنشینان و بررسی میزان و کیفیت اثرگذاری سیاست‌های اقتصادی بر توسعه این نواحی و پیامدهای توسعه تجاری مسئله اصلی این پژوهش است. بنابراین سؤال اصلی این تحقیق به شرح زیر است: سیاست‌های اقتصادی در مناطق مرزی چه پیامدهای منفی در حوزه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته است؟

اهداف تحقیق

هدف اصلی تحقیق حاضر معنا کاوی دیدگاه و ذهنیات مردم شهرستان بانه و مریوان در خصوص پیامد سیاست‌های اقتصاد مرزی است.

اهداف فرعی

- شناخت پیامدهای منفی سیاست‌های اقتصادی در حوزه معیشت و درآمد
- شناخت پیامدهای منفی سیاست‌های اقتصادی در حوزه آموزش
- شناخت پیامدهای منفی سیاست‌های اقتصادی در حوزه تغییر ارزش‌ها
- شناخت پیامدهای منفی سیاست‌های اقتصادی در حوزه داد و ستد غیررسمی
- شناخت علل و زمینه‌های شکل‌گیری دادو ستد غیر رسمی

پیشینه تجربی تحقیق

رضانی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان مقطع متوسطه در خصوص نقش مناطق تجاری مرزی در شهرهای مریوان و بانه بر وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل پرداخته است. نتایج کلی پژوهش مؤید آن بوده که ارتباط معنی‌داری میان میزان اشتغال به کار با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان وجود دارد. این نتایج نشان داد که بین اشتغال به کار و میزان انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان رابطه معکوس وجود دارد. باینگانی (۱۳۹۴) در رساله دکتری خود به مطالعه جامعه‌شناختی تغییرات اقتصادی و پیامدهای فرهنگی در مناطق کردنشین با روش اتنوگرافی انتقادی پرداخته است. حوزه‌های مختلفی در این جستار مورد بررسی قرار گرفته؛ آنچه که در حوزه آموزشی می‌توان با تاکید بیان کرد، کم شدن اقتدار فرهنگیان و افزایش ترک تحصیل در منطقه بانه است که محسوس و آشکار است. احمدی (۱۳۹۵) به تبیین جامعه‌شناختی هژمونی بازار و تحصیلات جوانان شهرستان بانه پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در طول سه دهه تحصیلات جوانان به مدد علل ساختاری دیگر چون آموزش و بین‌المللی‌تأثیرات منفی از بازار پذیرفته است، ولی در چندان سال اخیر با توجه به کاهش رونق تجارت مرزی، کشش تحصیلات نیز بیشتر شده است؛ علاوه بر این نه تنها فرهنگیان مورد طرد قرار نگرفته‌اند، بلکه افراد فقیر در هر قشر موطد طرد واقع شده‌اند. عبدهزاده سال (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر بازارچه‌های مرزی بر کیفیت زندگی روستائیان مرزنشین مورد مطالعه: بازارچه‌های مرزی و روستاهای منتخب شهرستان مریوان پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان از آن است که در شرایط کنونی به صورت نابرابر، فقط گروه‌های خاصی از مرزنشینان (شهرنشینان و تاجران یا صاحب بارها) از مزایای تأسیس بازارچه‌ها سود می‌برند، لذا باید سازوکارهای ممکن جهت افزایش مشارکت روستاها در فعالیت بازارچه‌ها فراهم گردد. کامران و همکارانش (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان "تحلیل کارکرد بازارچه مرزی باجگیران" که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و از طریق مصاحبه مسئولین و مردم محلی صورت گرفته، ادعان

می‌دارند که این بازارچه، با وجود آن‌که اهداف اصلی ایجاد آن، جلوگیری از مهاجرت و قاچاق کالا بوده، ولی این بازارچه نتوانسته است به این اهداف خود برسد. به طوری که تاکنون فقط ۳ روستا از ۳۴ روستای دارای سکنه بخش، از این بازارچه استفاده کرده‌اند. یعنی با دور شدن از مرکز بخش، تأثیرات بازارچه کم و حتی به صفر رسیده است. هر چند که مردم روستاهای استفاده‌کننده، ایجاد بازارچه را مفید ارزیابی می‌کنند اما این بازارچه در زمینه کاهش قاچاق کالا موفق عمل نکرده است. شرافت و یاری (۱۳۹۱)، در تحقیق خود تحت عنوان "نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه روستایی مناطق مرزی در بازارچه مرزی مهران"، به این اشاره کرده‌اند که بازارچه‌های مرزی به توسعه روستایی مناطق مرزی کمک شایانی کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بازارچه مرزی مهران باعث افزایش اشتغال، کاهش مهاجرت، افزایش درآمد و بهبود کیفیت زندگی ساکنین روستاهای مجاور شده است. افتخاری و همکاران (۱۳۸۷)، تحقیقی با عنوان "ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی بازتاب‌های توسعه در مناطق مرزی استان کرمانشاه" انجام داده‌اند. نتایج بدست آمده در این تحقیق حاکی از آن است که بازارچه‌ها توانسته است اثرات اقتصادی مثبتی روی مناطق پیرامون خود بر جای گذارد. آسینته^۱ (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان "پرده برداشتن از چالش‌های مرتبط با سلامت زنان در اقتصاد غیر رسمی" (تجارت مرزی زنان مرزنشین در آکرا و غنا) بیان کرده است که اکثر کارگران بخش غیر رسمی شهری فاقد بهداشت اولیه، امنیت اجتماعی و خدمات می‌باشند و در محیط ناسالم و پرخطر محیط زیست به سر می‌برند. زنان مشغول تجارت مرزی هم جزو این گروه قرار می‌گیرند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که زنان در رابطه با سلامت جسمی، با شایع‌ترین بیماری‌ها از قبیل: بدن درد، درد پشت و پاها در ساعات‌های طولانی روز گرفتارند.

روش پژوهش

از نظر فلیک، مهم‌ترین دلیل در انتخاب هر روشی به مانند کیفی یا کمی ماهیت و نوع سؤال پژوهش است (فلیک، ۱۳۹۲: ۱۳). در این مقاله با توجه به ماهیت و تفهیمی بودن موضوع، برای مطالعه تجربه زیسته ساکنان مناطق مرزی از روش کیفی استفاده شده است. این رویکرد، مصاحبه‌شوندگان را کنشگرانی فعال، هوشیار و عمدتاً مسلط بر ساخت‌های اجتماعی عینی و حالات درونی خود می‌بیند و برای مطالعه موضوعات مختلف و حوزه‌هایی که کمتر بدان توجه شده و کمتر بسط داده شده، کاربرد دارد (دارلینگتون^۲ و اسکات^۳، ۲۰۰۲). برای جمع‌آوری

1. Asente
2. Darlington
3. Scott

داده‌های شفاهی از مصاحبه استفاده شده است. در این روش، بین پژوهشگر و پاسخگو در مورد تک تک پرسش‌های موردنظر، ارتباط روبرو و شخصی برقرار می‌شود که منتج آن گفتگویی هدفمند است (ازکیا و ایمانی، ۱۳۹۰: ۷۲-۷۱). برای جمع‌آوری داده‌ها از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در این مطالعه، مصاحبه با افراد در مکان‌های مختلفی از جمله مغازه، بازارچه‌ها و غیره انجام شد. افراد نمونه در محدوده سنی ۵۵-۱۶ سال قرار داشتند. در تحقیق حاضر، برای انجام مصاحبه و هدایت آن سؤالات از قبل طراحی گردیده و از آنجایی که از مصاحبه به‌عنوان راهبرد اصلی گردآوری داده استفاده شده است، پرسش‌های باز و نیمه ساخت یافته مورد استفاده قرار گرفته است. جهت تحلیل داده‌ها هم از روش نظریه زمینه‌ای یا داده بنیاد استفاده شده است که نظریه مستخرج از آن نیز، در مقایسه با نظریات موجود، تبیین بهتری از پدیده مورد بررسی ارائه می‌دهد، زیرا با موقعیت، تناسب بیشتری دارد (Danaeefard, 2006).

جهت سنجش اعتبار یافته‌های پژوهش حاضر، علاوه بر استفاده از منابع داده‌های مختلف، ابتدا یافته‌ها را با متخصصان توسعه محلی، تعدادی از نخبگان و افراد تحصیل کرده و کارگزاران محلی که قبلاً با تعدادی از آنان مصاحبه‌هایی انجام داده و چند جلسه بحث گروهی برگزار کرده بودیم، در میان گذاشتیم. همچنین، با "حضور طولانی‌مدت در میدان"، "مشاهده مداوم" و "چندبعدی کردن روش" برای تحقق اعتبار آن تلاش کرده‌ایم. سیمای جامعه مورد مطالعه به شرح جدول زیر است:

جدول ۲: شغل افراد ساکن مناطق مرزی روستایی شهرستان مریوان

شغل	روستاهای تحت تاثیر بازارچه‌ها	فراوانی	درصد معتبر
تاجر	۱	۰.۸	
کارگر بازارچه	۳۷	۲۱/۳	
پبله ور	۴	۳/۱	
راننده	۱۸	۱۴/۲	
جمع کل	۵۰	۳۹/۴	

شکل (۱) نمودار پارادایمی پژوهش



توصیف و تحلیل مدل پارادایمی

شرایط زمینه‌ای: مطالعات انجام شده از جمله (احمدرش، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۱)، دلپسند (۱۳۹۶) و افتخاری (۱۳۸۷) مؤید وجود زمینه فرهنگی مناسب در جامعه مورد مطالعه است. از نظر محیطی نیز، وجود منابع سرشار آب، جنگل و کوهستان، و دشت حاصلخیز مثل دشت، کامیاران و قروه، منابع معدنی در خور توجه و ... بیانگر پتانسیل بالای محیطی و جغرافیایی برای توسعه است. می‌توان گفت استان‌های غربی کشور نظیر کردستان، کرمانشاه و ایلام در چارچوب جغرافیای ایران جزو مناطق مرزی به شمار می‌روند که چنان‌که مطالعات تجربی (ضرابی و شاهپوندی ۱۳۸۹)؛ طحاری و

همکاران (۱۳۹۰)؛ ابراهیم پور (۱۳۸۹)، احمدرش (۱۳۹۱) نشان می‌دهد، در طول دوره‌های مختلف به‌رغم وجود میزان قابل توجهی از عوامل پیش گفته، از لحاظ توسعه اقتصادی، اجتماعی و حتی انسانی جزو مناطق کمتر توسعه‌یافته کشور بوده و رتبه‌های آخر توسعه، سهم این مناطق بوده است. این حاشیه‌ای بودن از یک سو می‌تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی باشد، چون خود پدیده مرزی بودن، بسیاری از امکانات و قابلیت‌های آن منطقه را مضمحل می‌سازد (جونز و ویلدا، ۱۹۹۴: ۲۶۰-۲۷۳) و از سوی دیگر، سیاست‌گذاری‌های مختلف توسعه‌ای، نگاه امنیتی داشتن به مناطق مرزی و نظام برنامه‌ریزی طی سالیان مختلف، شاخص‌های مهم توسعه‌ای را در این مناطق با چالش مواجه کرده است.

شرایط علی:

در میان شرایط علی می‌توان به ضعف کارکردی کارگزاران توسعه اشاره کرد. به این معنا که مطالعات تجربی و آمارهای رسمی حاکی از این است که به علت ترجیحات خاص و احتمالاً سوگیری خواسته یا ناخواسته کارگزاران توسعه، منطقه مورد مطالعه در حوزه سیاست‌گذاری، برای نمونه از نظر تخصیص منابع مالی و ایجاد زیرساخت‌ها، با غیبت قابل توجه‌ای مواجه بوده است. عامل دیگری که در بروز پدیده بدقوارگی توسعه در مناطق مرزی غرب کشور مؤثر بوده است، فراگیری و غلبه نگرش به مرز، به مثابه تهدید و نه فرصت است. شاید بتوان این نوع خاص از نگرش به مرز را با شکل‌گیری پایه‌های اولین حکومت متمرکز و مدرن ایران - دولت پهلوی اول - منتسب کرد. چرا که مرزنشینان همواره به عنوان مدافعان مرزها و جغرافیای کشور در ادبیات رسمی دولت مورد تمجید قرار گرفته‌اند ولی در عمل، "در مرز بودگی" عامل اصلی برخورداری نامتناسب و متعادل از مزایایی برنامه‌های توسعه در ایران بوده است (احمدرش، ۱۳۹۷). بر این اساس می‌توان گفت "سامان برنامه‌ریزی در کشور بیش از آن که مترصد توسعه باشد، عاملی برای کنترل آن و تحکیم نفوذ دولت در چرخه اقتصاد، سیاست و فرهنگ بوده است" (طالب و عنبری، ۱۳۸۵). از این رو، به باور بسیاری از پژوهشگران و نظریه‌پردازان مسائل توسعه‌ای، مسیر تحول و تکامل تدوین برنامه‌های توسعه در ایران حکایت از آن دارد که برنامه‌ریزی در ایران به سوی اندیشه و دیدگاهی متمرکز و ایجاد دستگاهی متناسب پیش رفته که اندیشه تمرکزگرایی رشد یافته و از نتایج آن، فاصله گرفتن دستگاه‌های دولتی از مقتضیات اجتماعی و اقتصادی کشور بوده است. به گونه‌ای که در این میان دولت تنها به تدوین برنامه‌ها پرداخته بود. در نتیجه نبود ارتباط ارگانیک میان برنامه‌ها و شرایط درونی کشور زمینه‌ساز اصلی

به اجرا درنیامدن کامل برنامه‌ها بوده است (احمدرش، ۱۳۹۱). به نظر می‌رسد غلبه سیاست مرکز-پیرامون در بسط توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی بی‌تأثیر نبوده است.

چون اقتصاد مناطق مرزی می‌تواند نقشی اساسی در ترقی و پیشرفت توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد، ایجاد روابط دوستی و آشنایی بیشتر، تسریع همکاری‌های بیشتر بین نواحی مرزی داشته باشند (چاندویت^۱، ۲۰۰۴)، شواهد تجربی، حکایت از آن دارد که هرچه درجه توسعه‌یافتگی کشوری بیشتر باشد، اندازه نسبی اقتصاد سیاه آن کشور، کاهش می‌یابد (اشنایدر، ۲۰۰۵).

شرایط واسط یا مداخله‌گر کنش

در کنار عوامل علی و شرایط زمینه‌ای، می‌توان به عوامل مداخله‌گر نظیر عدم سرمایه‌گذاری، نگاه امنیتی، بوروکراسی ناکارآمد و فقدان سرمایه مالی اولیه اشاره کرد که زمینه‌ساز شکل‌گیری پدیده اصلی پژوهش یعنی "شکندگی اقتصادی مرزی" شده است.

راهبردها

توانمان بودن مفهوم مرز و امنیت باعث شده است تا در دیدگاه کارگزاران و برنامه‌ریزان توسعه اصولاً مناطق مرزی به مثابه "نگرش خاکریزی" در نظر گرفته شوند که در آن بناست به تقابل با نیروهای عمدتاً متخاصم برخاست که عموماً کارکرد تخریبی در فرایند توسعه کلان کشور دارند (احمدرش، ۱۳۹۷)؛ تحقق رابطه منطقی امنیت و توسعه در مناطق مرزی مستلزم توجه خاص و جامع‌نگر به مؤلفه‌های توسعه بر امنیت و مؤلفه‌های امنیتی بر توسعه است. الین^۲ می‌گوید: «اگر مردم فضا را به دلیل عدم راحتی و یا ترس استفاده نکنند، عرصه عمومی از بین رفته است». ناامنی، نشاط و سلامتی را در زندگی روزمره مختل می‌کند و با ایجاد مانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی، هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌نماید (افتخاری، ۱۳۸۱: ۸).

پیامدهای پدیده "شکندگی اقتصادی - اجتماعی" زندگی مرز نشینان

▪ وضعیت درآمد مرز نشینان

در گذشته‌ای نه چندان دور، مردمان نواحی مرزی به جهت نداشتن کشاورزی مطلوب و عدم برخورداری از فرصت‌های اقتصادی دیگر در منطقه مجبور به تجارت مرزی به شیوهی

1. Chandoevrit
2. Elin

سنتی یا قاچاق در مرزهای غیر رسمی بوده‌اند که این امر تأثیر شگرفی بر شکل‌گیری اقتصادی غیررسمی در منطقه داشته است. این شیوه‌ی تجاری از نگاه آنان پیامدهای مثبت و منفی^۱ زیادی برای روستائیان مرزنشین در پی داشته است که خود جای بحث و بررسی می‌باشد.

"کامران" یکی از افراد ساکن در نواحی مرزی شهرستان مریوان در این زمینه چنین می‌گوید:

«کار مرز و تجارت مرزی به طور غیر رسمی حدود ۶-۵ سال قبل خیلی رونق داشت و پول زیادی نصیب افراد مرزنشین می‌گردید یعنی زمانی که کنترل و نظارتی روی آن صورت نمی‌گرفت. هم همیشه گفت خوب بود هم بد، از آن جهت که برای مردم شغل ایجاد شده بود و درآمد خوبی داشتند، خوب بود ولی الان کمتر شده است. هر چند با پارتنی بازی محدود افرادی س.دهای کلان را به جیب می‌شکنند و مابقی زندگی بخور و نمیری دارند و ناراضی هستند» (کامران، ۳۱ ساله).

پس در طی چند سال گذشته، مردم اطراف مرز به کار تجارت به شیوه‌ای غیررسمی اشتغال داشتند که سود خوبی هم نصیب آنان گردید که این امر خود سبب شکل‌گیری انتظاراتی بیش از حد در میان آنان شد که با قطع و صورت گرفتن کنترل بر آن توسط دولت، ناراضی‌هایی به جهت نداشتن درآمد در میان مردم مرزنشین به وجود آورده است. دولت به جهت ساماندهی به کار آنان، تصمیم به ایجاد بازارچه‌هایی رسمی اما موقتی در روستاهای مرزی کشور گرفت که طی آن افراد ساکن در روستاهای اطراف مرز از دفترچه‌های پیلهوری (مخصوص سرپرستان خانوار و افرادی که خدمت سربازی را انجام داده‌اند) برخوردار گشتند. این دفترچه‌ها به رنگ‌های آبی و زرد می‌باشند که در روزهای زوج و فرد هر یک از آن‌ها مجوز وارد کردن کالا را دارند. اما با سیاست‌های در پیش گرفته شده و بستن بازارچه‌ها هر زمان وضعیت به شدت بدتر می‌شود. "عزیز" مشغول به کار در بازارچه مرزی شهرستان مریوان در این مورد چنین توضیح می‌دهد:

«به دلیل این که قاچاق کالا در طی چند سال گذشته در محدوده‌ی مرزی این روستا زیاد بود، بازارچه کانی‌چنار که بازارچه‌ای رسمی اما موقتی می‌باشد توسط استانداری، فرمانداری و با هماهنگی هنگ مرزی در منطقه دایر شد، تا واردات از طریق آن به صورت رسمی و قانونی صورت گیرد. این بازارچه ظرفیت ۵۰۰۰ نفر نیروی شاغل در روستاهای اطراف را دارد که ۲۵۰۰ نفر در روزهای زوج و ۲۵۰۰ نفر دیگر در روزهای فرد و با دفترچه‌های پیلهوری خود مجاز به وارد کردن کالا از مرز هستند. این مرز در گذشته تأثیر زیادی بر تأمین معیشت مردم داشته است. اما اکنون به دلیل محدودیت‌هایی که بر واردات کالا اعمال می‌شود تا حدود زیادی از درآمد مردم کاسته شده که ناراضی‌هایی را بدنبال داشته است.» (عزیز، ۴۲ ساله).

۱. طی مصاحبه‌هایی یکی از پیامدهای منفی این نوع تجارت را در منطقه دنبال نکردن صنعت و کارهای تولیدی دیگر توسط مردم اعلام کردند.

چنانچه از مصاحبه افراد مشاهده می‌شود، وضعیت درآمدی مردم با تاسس بازارچه‌ها به شدت کاهش پیدا کرده است و در نتیجه معیشت آنان مختل شده است. رحمان مشغول به کار تجارت در شهرستان بانه بیان می‌کند: «اگر بخواهیم به درستی وضعیت درآمدی مردم را بحث کنیم، باید به تقسیم‌بندی دوگانه خیلی کلی دست بزنیم. افرادی که با نفوذ خود درآمد واقعاً کلانی با این سیاست‌های اقتصادی کسب می‌کنند و افرادی که تنها زندگی بخور و نمیری را دارند» (رحمان، ۳۶ سال). یکی دیگر از افراد مشارکت کننده اشاره می‌کند «اگر پول و نفوذ داشته باشی، واقعاً درآمد خوبی خواهی داشت؛ ولی اگر پول تجارت نداشته باشی، اگر نوبتت برسه میتونی کولبری کنی و یا اینکه داخل شهر دستفروشی بشی» (توفیق، ۳۹ ساله).

■ وضعیت اشتغال مرزنیسان

در مناطق مرزی فقر و فشارهای اقتصادی در زندگی مردم عاملی است که آن‌ها را وادار به کار تجارت مرزی نموده است. این تجارت چه به شیوه‌ای رسمی و چه غیررسمی‌اش به عنوان یک شیوه‌ی معیشتی و منبع درآمد، متغیری می‌باشد که پیامدهای مثبت و منفی‌ای بدنبال داشته است. اهمیت این پدیده در سطح خرد و کلان قابل مطرح است. در سطح خرد، مجموعه کالاها و نیازهای ضروری زندگی مردم محرکی جهت برقراری مبادله میان مرزی به جهت رفع نیازهای مذکور بوده است. در سطح کلان نیز بحث تصمیم‌گیری‌ها و حسابگری‌های سیاسی و اقتصادی دولت‌ها مطرح می‌گردد که بنابر منافع و مصالح ملی و در قالب سیاست‌گذاری‌های خاص دنبال می‌گردد. یکی از اهداف ایجاد و گسترش بازارچه‌های مرزی، ایجاد شغل چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم برای افرادی است که در منطقه محروم مرزی ساکن هستند. اما نحوه تخصیص این اشتغال و نتایج سیاست‌های مابعد تاسیسی بازارچه‌ها اهمیت فراوانی دارد. طبق نتایج تحقیق عبده‌زاده (۱۳۹۲) در منطقه مریوان، چنان‌که در جدول (۱) نشان داده شده است، بیشتر افراد بی‌قدرت روستا و شهری به کارهای پبله‌وری و کولبری و مشاغلی از این قبیل مشول به کارند و تنها عده‌ای معدودی از سیاست‌های اقتصادی دولت نفع زیادی برده‌اند.

چنانچه مشاهده می‌شود؛ به درستی می‌توان نمودی از نابرابری وضعیت اشتغال مناسب را بعنوان پیامدهی از سیاست‌های اقتصادی تاسیس بازارچه‌ها در مناطق روستایی مشاهده کرد. مصاحبه‌های این تحقیق نیز در دو شهرستان موید چنین نتایجی است. بنا به گفته‌ی مرزنیسان، مرز رسمی باشماق مریوان از ابتدای شروع به کار تاکنون بیشترین منفعتش نصیب تاجران، شهرنیسان ثروتمند و افراد ساکن در استان‌های همجوار شده است. عبدالله بیان می‌کرد:

«فکر می‌کنی همه از این سیاست اقتصادی بازارچه‌ها سهم یکسانی بردند. نه اصلاً اینجوری نیست، خصوصاً در این دو سال اخیر، شکاف‌ها بین افراد دارا و ندار خیلی بیشتر از گذشته شده است و مردم با مقایسه‌ها خیلی دچار محرومیت می‌کنند» (عبدالله، ۳۰ ساله).

افراد ساکن در روستاهای اطراف بازارچه‌ها غیر از کارگری، کولبری یا تخلیه و بارگیری کالاها بهره‌ای از آن نبرده‌اند. طاهر در این زمینه چنین می‌گوید:

«مرز رسمی باشماق تأثیری آنچنانی در بهبود زندگی ما و ایجاد اشتغال برای روستائیان و حتی شهرهای بی‌پول و بی‌قدرت نداشته است. بعضی از افراد روستا و شهرنشینان بی‌پول روزانه جهت کارگری و تخلیه و بارگیری کالاها به صورت روزمزد در آن مشغول به کار هستند. پس در کل نمی‌شود روی آن زیاد حساب کرد و باید گفت که سود اصلی آن به تاجران و صاحب بارهای شهری و روستایی ثروتمند و صاحب نفوذ می‌رسد چون ما سرمایه‌ای نداریم پس جایگاهی از این بالاتر هم نمی‌توانیم در آن داشته باشیم» (طاهر، ۴۸ ساله).

■ سیاست‌های اقتصادی و قاچاق کالا

پدیده قاچاق در مناطق مرزی به صورت طبیعی و در شرایط غیرعادی اقتصادی، اغلب شامل کالاهای نامشروع و کالاهای مشروع، ولی ممنوع است. قاچاق کالا در شهرستان مریوان و بانه نیز زاده‌ی عواملی از جمله کاهش قدرت خرید متقاضیان، بالا بودن قیمت واردات کالا، عدم کنترل و انسداد مرزها، وضعیت بد مردم مرزنشین و بیکاری می‌باشد و در شرایط عادی حاصل عمل سودجویان و طمع بیشتر آن‌ها می‌باشد. یکی از اهداف تأسیس بازارچه‌های مرزی، جلوگیری از رواج بازارهای غیررسمی از جمله قاچاق کالا و ایجاد اشتغال در مناطق مرزی می‌باشد و لیکن واقعیت نشان می‌دهد که ورود کالای غیرقانونی از طریق معبرهای مختلف مرزی همچنان ادامه دارد. در مناطق مورد بررسی در تحقیق حاضر، مصاحبه‌ها به خوبی نشان می‌دهد که به دلیل وجود پدیده بیکاری و نداشتن امنیت شغلی و همچنین عدم برخورداری از زمین‌های مناسب جهت کشاورزی، در برهه‌هایی مردم جهت امرار معاش خود از سر ناچاری روی به قاچاق کالا آورنده‌اند. بیکاری یکی از دلایل اصلی گرایش مردم به قاچاق کالا در نوار مرزی می‌باشد. این عامل خود ماحصل رابطه یک مجموعه چند علیتی می‌باشد.

"حسن" در زمینه قاچاق کالا چنین می‌گوید: «در سالیان گذشته شغلی در این منطقه نبود که ما را از قاچاق کالا روی گردان کند، کشاورزی خوبی هم نداشتیم، الان هم نداریم. درآمد این کار از شغل کارگری به صرفه‌تر بود اما هرچند زیاد تمایل به انجام آن نداشتیم ولی از سر ناچاری بود چون شغلی دیگر نداشتیم. اما باید بگم از وقتی که فعالیت‌های بازارچه‌ها تحت کنترل نیروهای نظامی قرار گرفته و کار مرز با دادن دفترچه‌های پبله‌وری تا حدودی سر و سامان گرفته پدیده قاچاق کاهش یافته است» (حسن ۳۹ ساله).

لازم است یادآور شویم که قاچاق کالا به نسبت گذشته با سیاست بازارچه‌ها به شدت کاهش پیدا کرده بود، ولی به مرور با گسترش رانت‌های دیگری که محدود افرادی از بازارچه‌ها

سود می‌برند، مردم به قاچاق کالا بار دیگر روی آورده‌اند و از راه‌های مختلف کالاهای مختلفی وارد می‌کنند.

بنابراین پس از صورت گرفتن نظارت و کنترل بر واردات مرزی غیررسمی، به اصطلاح طایفه‌ای شدن سود ناشی از این واردات؛ نارضایتی‌هایی در میان مردمان مرزی ایجاد شده است که خواسته اکثریت آنان افزایش تعداد اقلام کالاهای وارداتی و افزایش سهمیه‌شان در طول هفته جهت وارد کردن بیشتر کالا از طریق بازارچه می‌باشد. به طوری که هم‌اکنون در طول هفته یکبار بیشتر به وارد کردن کالا نمی‌پردازند و حتی بعضی وقت‌ها نوبت‌شان نیز به تأخیر می‌افتد که این خود موجب نارضایتی آنان گشته است. هژیر که خود در بازارچه و بازار مرزی بانه کار می‌کند، بیان می‌کند:

«انقد کولبر زیاد شده است، که نوبت نمی‌رسد کار هم کنیم و یا اینکه خیلی دیر نوبت می‌رسد» (هژیر، ۳۳ ساله).

اقتصاد و نظام معیشتی بسیاری از ساکنان مناطق مرزی کردستان قبل از راه‌اندازی این بازارچه‌های مرزی، مبتنی بر کشاورزی و دامداری بوده است؛ هرچند از لحاظ زمین‌های کشاورزی این منطقه چندان حاصل خیز نبود. به‌طور مثال در سال ۱۳۷۹ طبق آمار امین‌زاده (۱۳۹۰) در شهرستان بانه نسب زمین‌های دیم، آبی به ترتیب ۷۹۲۳ و ۵۷۸۱ است که به نسبت شهرهای همچون مریوان، خود سنندج، قروه و حتی بیجار به‌عنوان مرتفع‌ترین شهر این استان، کمتر است (امین‌زاده، ۱۳۹۰: ۹۰). دستاورد این محیط طبیعی برای مردمان این دو منطقه چیزی جز فقر و گذران به سختی زندگی نبود. نوع زندگی غالب با توجه به این مشکلات محیطی باعث آن می‌شد که مردم زندگی همراه با فقر سپری کنند. با اجرایی سیاست‌های رفاهی و تأثیر بازارچه‌ها بر زندگی مردم، رونق اقتصادی به نسبت سال‌های گذشته رشد صعودی داشت. رونق اقتصادی که در اینجا منظور است، رونقی که در چارچوب بازارچه‌های مرزی و اشتغال‌های خدماتی معنی پیدا می‌کرد و به یک باره مشاغل تولیدی-صنعتی چون کشاورزی، مکانیکی، صافکاری، باغداری، اتاق‌سازی و مواردی از این قبیل را به شدت تحت تأثیر قرار دارد و در ذهنیت مردم، این مشاغل مختص کسانی است که توانایی رقابت در بازار را ندارند. "سیروان" از افراد مورد مصاحبه که جوشکار بود بیان می‌کرد:

«مشاغلی از قبیل مشاغل من، واقعاً نسبت به بازار، سود آنچنانی ندارد و بیشتر افرادی که این مشاغل را انجام می‌دهند از شهرهای مجاور آمده‌اند. که این خود تفاوت‌های زندگی و فرهنگی و افزایش افراد ماجربپذیر با وجود همان امکانات قبلی شهری یا همان جمعیت را در پی داشته

است. این مشاغل بیشتر به چشم مشاغل کم‌درآمد نگریسته می‌شوند و کمتر افراد داوطلب خواهند شد که انجام دهند» (سیروان، ۳۰ ساله)

به درستی می‌توان از بین رفتن قدرت این مشاغل از مشاغل کاذب و خدماتی که به واسطه‌ی بازارچه‌ها در این مناطق حاکم شده است را دید. مشاغلی از این قبیل به اندازه‌ای در حاشیه اشتغال قرار گرفته‌اند که افراد حاضر نیستند به هیچ وجه آن را برگزینند و آینده شغلی خود را با آن تصور کنند. جلیل که صافکار بود بیان می‌داشت:

«من خودم اهل بوکانم و تقریباً ۲۰ سال هست در شهرستان بانه زندگی می‌کنم. در طول این ۲۰ سال تجربه صافکاری بارها بوده که از طرف خانواده خود و یا خانواده زنم و یا برادرم که به من پیشنهاد شده این شغل را ترک کنم و حتی به دست فروشی بپردازم. ولی من ادامه دادم. در ارتباط با وضعیت این شغل نسبت به شهرهای دیگر واقعا استاد کار ماهری نداریم؛ چون هیچکس با دل کار نمی‌کند و تنها چکش‌های پولی می‌زنند. مکانیکی هم به همین قراره. جو این شهر جوریه که باید تمییز باشی و با یک تلفت ۱ میلیون پیدا کنی. اینو تایید می‌کنند و اصلا مشاغل ماها اهمیتی ندارد» (جلیل، ۳۱ ساله).

در بافت جوامعی از این قبیل اعتقادات، باورها و ارزش‌های کنشگران با وارد شدن بازار و تجارت مرزی دستخوش تغییر شده است. ارزش‌های تازه سرکشیده، که شکل‌دهنده‌ی خواسته و عقایداند، کنشگر را وادار به عمل و انتخاب می‌کنند. بحران شناختی افراد از دیدهای سنتی و سرخوردگی‌های ناشی از آن باعث شده که فرد وارد بنیه‌های این ذهنیت بخشی (بازار) شود و به قوی دست به فعالیت‌هایی در راستای کسب پول؛ به‌عنوان مبنای منزلت‌دهی بزند.

■ سیاست‌های اقتصادی و تحصیلات در مناطق مرزی

تحصیلات نقشی حیاتی در زندگی جوانان در جامعه معاصر دارد. جوانانی که توانایی استفاده بهینه از فرصت‌های آموزشی را دارند، احتمال موفقیت بیشتری برای بهره‌گیری از فرصت‌های محدودی که در بازار کار آینده نصیب آن‌ها می‌شود، خواهند داشت. طولانی شدن آشکار فرآیندهای گذار جوانی در جامعه نوین، به همراه خود فشار فزاینده‌ای به جوانان برای کسب مدرک دانشگاهی و پر کردن فرصت‌های زندگی در نبود تجربه اشتغال تمام وقت به همراه داشته است. از سوی دیگر فرآیند جهانی تورم تحصیلات، افزایش شدید تعداد جوانان علاقه‌مند به تحصیل در رشته‌های خاص دانشگاهی را به دنبال داشته که خود کم‌ارزش شدن نسبی مدرک دانشگاهی برای تکمیل تحصیلات و دستیابی به مدارک کمیاب‌تر را به همراه داشته است (ذکائی، ۱۳۸۶: ۲۰۸). تحصیلات در مناطق مرزی در بعد ساختاری تحت تاثیر دو عامل اقتصادی (مشخصه بارز این مناطق در زمانی خاص) و کلیت تحصیلات در کشور قرار می‌گیرد. بعد اول و

رسوخ ایده‌گزینش سیاست‌های اقتصادی در این نواحی به شدت تحت تاثیر بعد آموزش و بیکارهای فراگیر آن در سطح کشور قرار گرفت. به طوری که شمار زیاد بیکاران تحصیل کرده در سطح ملی جوانان را هر چه بیشتر به این سمت سوق می‌داد. در شهرستان بانه چنان که آمارها نشان می‌دهد، از تعداد کل فارغ‌التحصیلان شهرستان بانه ۱۰۴ نفر در سطح فوق دیپلم بیکار هستند و ۲۱۲ نفر در سطح لیسانس بیکار می‌باشند. در سطح فوق لیسانس / دکتری حرفه‌ای و دکتری تخصصی به ترتیب تعداد ۲۹ و ۱ نفر از تحصیل کردگان از بیکاری رنج می‌برند. به این ترتیب این عامل با تشدید عوامل اصلی باعث طرفداری چند برابری جوانان از بازار شد. یکی از افراد مورد مصاحبه بیان می‌کرد که:

«دانشگاه رفته‌های بیکار زیاد که نه ولی به نسبت کم نیستن که الان تو بازار مشغول کارند. دقیق اینا جایگاهی نداشتن که استخدام بشن و همه اینا رو داریم می‌بینیم» (دانیال، ۲۵ ساله؛ همین نکات رو مسعود ۲۴ ساله نیز تکرار می‌کند).

یکی دیگر از افراد مورد مصاحبه در تایید حرف‌های دانیال بیان می‌کرد:

«نه تنها در شهر مریوان، بلکه در اکثر شهرها و استانهای ایران آمار بیکاری تحصیل کردگان زیاد است و مختص مریوان و یا کردستان نیست. ولی خب فرقی که من با یک مرکز نشین دارم، در دسترس بودن دستفروشی و بازار مرزی است که به دلیل دید آبی نگری خودم و خانواده‌های اینجا، این شغل را بر می‌گزینیم» (محمد، ۳۲ ساله).

در شهرستان بانه از تعداد ۶۷۶۸۱ از کل افراد باسوادای که در حال حاضر تحصیل نمی‌کنند تعداد ۸۹۵۰ نفر از آن‌ها در بازه سنی ۱۹-۱۵ سال قرار دارند. ۱۴۰۶۱ نفر از اعضا به نوعی دارای بیشترین فراوانی در گروه سنی ۲۴-۲۰ سال سن قرار دارند. در گروه سنی ۲۹-۲۵ و ۳۴-۳۰ به ترتیب تعداد ۱۲۹۳۵ نفر از افراد ۱۰۴۱۶ نفر از آنها تحصیل نمی‌کنند. در جدول پایین به خوبی می‌توان مشاهده کرد که بازهای سنی که می‌توانستند دانشگاه و تحصیلات آکادمی را دنبال کنند، دست از تحصیل برداشته‌اند. و این ماجرا دقیقاً مصادف با دوران اوج بازار شهرستان بانه یعنی اواسط دهه رونق گرفتن تجارت مرزی است. به مانند گفته‌های یکی از افراد مورد مصاحبه که مشاور بودند:

«هرم سنی دهه ۶۰ و بیکاری آن در بانه و دیگر شهرهای ایران، پررنگ‌تر شدن ناکارآمدی آموزش عالی، فقر و شرایط محیطی بانه، همه و همه باعث مشروعیات بازار شد» (مشاور، ۳۳ ساله).

یکی دیگر از افراد فرهنگی تحصیلی بیان می‌کرد:

«از ۱۳ نفر گذران راهنمایی تنها ۶ نفر به دبیرستان رفتند، مابقی به کلی تک تحصیل نمودند و مسیر خود را انتخاب کردند» (مشاور مدرسه، ۲۸ ساله).

جووانان امروزی مناطق بانه و مریوان به خاطر ذهنیت و واقعیت بازاری مسیر ادامه تحصیل را به کلی جدا از بازار فرض می‌کنند و معتقدند برای رسیدن به موفقیت‌های تجسم شده در ذهن، باید ترک تحصیل کرد. واقعیت امر آن است جدا از رونق بخشیدن به زندگی مردم و بهبودهای نسبی زندگی، به کلی زندگی آموزشی فرد را در ابعاد منفی تحت تأثیر قرار داده است و هنوز تفکر جووانان به این ذهنیت آمیخته نشده است که می‌تواند این مادیات را در مسیر هر چه بهتر تحصیل و آموزش و کارهای فرهنگی مورد استفاده قرار دهد.

■ سیاست‌های اقتصادی و فرهنگ پولی در مناطق مرزی

در گذشته مردمان مناطق مرزی کردستان، پول و مبادلات تجاری چندان چشمگیر و تبدیل به یکی از علل وجودی ارزش و شأن اجتماعی نشده بود، بلکه ترکیب کشاورزی و دامداری، شیوه‌های اصلی تضمین معیشت آنان بود. عزیز در این باره اظهار می‌کند.

«بحث‌های خانوادگی و حتی مغازه‌دارها، بیشتر بحث موفقیت اقتصادی، کسب درآمد، طرف انقد پول در میاره، یارو دو مغازه‌دار، این (عین جملات مشارکت‌کننده)، است و همه مبنای تایید فرد مقدار پولی هست که به هر نحوی توانسته است کسب کند» (۳۴ ساله).

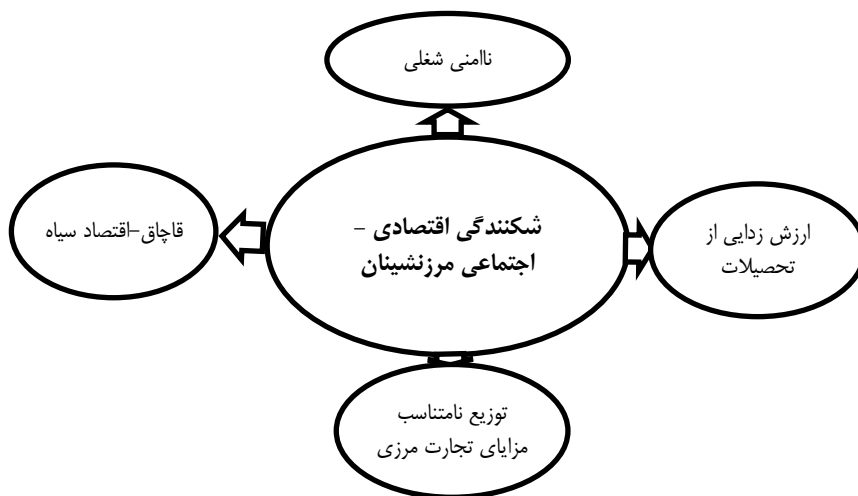
این تغییرات حادث شده در حوزه ذهنیت مردم و زیست آن‌ها حضور و وفور هر چه بیشتر کالاها و وسایل تجملی در بین مردم باعث شده، قدرت و توان هر فرد در کشاکش مادی‌گرایی سنجیده شود. به نوعی که داشتن ثروت، پایه متداول اعتبار و پایگاه سربلندی او باشد. برای اینکه شخص در انظار مردم به نیکی شناخته شود، لازم است به میزانی متداول و گاهی نامعین، ثروت داشته باشد. آن دسته از اعضای اجتماع که از ثروت و توانمندی کمتری برخوردار هستند، در نظر اعضای دیگر، ارج کمتری دارند و در نهایت خودشان هم این شان را می‌پذیرند، زیرا احترام شخص به احترامی وابسته است که همسایگان برای او بجا می‌آورند. در هر اجتماعی که مالکیت فردی بر کالا رواج می‌یابد، لازم است که شخص برای آرامش فکری خودش، مانند دیگران آن قدر مال و منال فراهم که در طبقه او مرسوم است و اگر چیزی بیش از دیگران داشته باشد، بسیار خوشنود کننده خواهد بود (وبلن، ۱۳۸۳: ۷۶). مشارکت‌کنندگان زیادی در ارتباط شان اجتماعی و پیوند آن با پول بحث‌های جالبی داشتند که حتی الامکان سعی می‌شود این زیبایی زبان اصلی حفظ شود.

یکی هست تو طایفه‌مون، شکر خدا داره ولی دارای‌ش زیاده. خیل مهمه بخدا، این مهم بودن بخاطر خود شخص و شخصیتش نیست اصلا. بخاطر مالیه که داره و برایش حکم پغمبری رو صادر کرده تو طایفه. بخدا می‌گم نمی‌تونیم و نمی‌زارن که حرف بزنین وقتی

که جمع می‌شیم، بزرگترها می‌گن بی‌احترامیه بهش، مجبورا گوشیمو برمیدارم به پسر عموم اس میدم. میگم گوش کن بدردت می‌خوره، در جواب فقط ی جمله میفرسته، تو رو خدا این مشاور خانوادگی ما داره چی میگه (باخنده) (ارسالان، ۲۴ ساله).

اولین مرحله پیامدهای فرهنگی این سیاست اقتصادی را شاید بتوان در درک متفاوت از زندگی و متعاقب آن تأییدهای منزلتی ناشی از ورود پول دانست. بحران شناختی افراد از دیدهای سنتی و سرخوردگی‌های ناشی از آن باعث شده که فرد وارد بنیبه‌های این ذهنیت بخشی (بازار) شود و به قولی دست به فعالیت‌هایی در راستای کسب پول؛ به‌عنوان مبنای منزلت دهی بزند. اکثر افراد از تجربه‌های زیسته خود در جامعه مرزی می‌گفتن و معتقد بودند با این شرایط اقتصادی تا دورانی خاص، ذهنیت پولی به زندگی اکثریت مردمان رسوخ کرده است. با این فرهنگ پولی واسطه‌گران اقتصادی به الگوهای مرجعی تبدیل شده‌اند در اذهان اهالی منطقه دارای شان و منزلت بالایی هستند و نه‌تنها معیارهای جدیدی از مصرف را عرضه، بلکه الگویی برای دیگر افراد جامعه و خصوصاً جوانان شده‌اند. واسطه‌گران اقتصادی با نمایش گذاشتن قدرت اقتصادی خود بدین طریق خیلی از مرزهای مصرف را شکسته و چشم و هم‌چشمی‌هایی نیز در سطح وسیعی ایجاد کرده‌اند که به دلیل پایه‌گذاری توسط خود آنان، نفر اول این رقابت همیشه خودشان هستند. در تقابل آنان کسانی که نتوانند خود را با این بافت منزلتی تطابق دهند، در جامعه طرد و پس انداخته می‌شود به این دلیل بود که اکثر بیان می‌کردند که در این جامعه بحث تحصیل کردن و طرد آن‌ها نیست، بلکه بحث فقر مالی و طرد قشر فقیر است.

مدل ۳: مدل زمینه‌ای پیامدهای انتقادی سیاست‌های اقتصادی در مناطق مرزی



بحث و نتیجه‌گیری

مناطق مرزی کشور همواره از قدیم به لحاظ موقعیت جغرافیایی، مناسبات قومی و سوابق تاریخی، منشاء انجام پاره‌ای ارتباطات و مبادلات مرزی میان ساکنین دو سوی نوار مرزی بوده‌اند. ناتوانی‌های بالقوه طبیعی و اقتصادی این مناطق، خصوصاً در بخش کشاورزی و صنعت، به دولت‌ها اجازه داده که به لحاظ محرومیت‌زدایی، ایجاد اشتغال، پایداری جمعیت و ممانعت از تخلیه مناطق مرزی و وقوع قاچاق تمهیداتی را در مبادلات بازرگانی نواحی مرزی لحاظ نمایند. به همین منظور، جهت رسیدن به اهداف فوق‌الذکر، بازارچه‌های مرزی به عنوان مکانیسم برآورد موارد فوق تشکیل گردید. این مبادلات دارای نقش پر اهمیتی در اقتصاد نواحی مرزی می‌باشد که می‌تواند صلح و ثبات را در این مناطق موجب شوند. در واقع، سؤال اصلی پیش‌رو این بود که سیاست‌های اقتصادی در مناطق مرزی کردستان چه دستاوردهایی در حوزه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی داشته است. در ابتدای تأسیس بازارچه‌ها در مناطق مرزی این امید وجود داشت که مزایای آن شامل همه مرزنشینان و بیکاران گردد، زیرا مردمان آن نواحی نه از کشاورزی چندانی برخوردار بودند و نه مهارت و توانایی خاصی داشتند. هر چند اثرات متفاوت این بازارچه‌ها در بسترهای زمان و مکان متفاوت و متغیر است؛ اما چنان‌که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد پیامدهای منفی سیاست‌های اقتصادی در مناطق مرزی نیز، خیلی کم نیستند. بخصوص امروزه که به نسبت سالیان گذشته بیشتر نیز شده است. بنابراین، با توجه به نتایج بدست آمده باید گفت که سیاست اقتصادی بازارچه‌های مرزی در هنجار قانونی خود عمل نکرده‌اند و از اهداف اولیه خود تا حدودی فاصله گرفته‌اند. در اهداف اولیه شکل‌گیری مبادلات مرزی، توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی سالم، سرآمد این تصمیمات بودند، اما در اثنای بررسی‌های صورت گرفته در مناطق مورد مطالعه شاهدیم که بازارچه‌های مرزی بیشتر زندگی افرادی که نفوذ و قدرت خاصی داشته‌اند، تأثیر مثبت داشته است. افرادی که از رانت‌های مختلف بهره می‌برند و توانسته‌اند از آن به نفع خود استفاده کنند، بیشترین سود را برده‌اند، که در این صورت حالت همه‌گیر آن از بین رفته است. هر چند که مردم استفاده کننده از مزایای این بازارچه، فعالیت آن را تا حدودی مفید ارزیابی می‌کنند ولی چون اشتغال آن با برنامه‌ریزی مناسب اقتصادی توسط مسئولین همراه نبوده است، باعث شکل‌گیری نارضایتی‌هایی در میان آنان شده است. یکی از مهم‌ترین اثراتی که سیاست‌های اقتصادی داشته است، مبحث اشتغال = است. پایین بودن میزان اشتغال افراد ناتوانمند و فاقد نفوذ در آن حیطه نسبت به دیگر افراد و سایر پولداران (حداقل در این بازه زمانی) باعث شده که از اکثریت مردم، امروزه بازارچه‌های منطقه نه تنها تأثیر مثبتی بر اشتغال آنان نداشته باشد، بلکه از بعضی جنبه‌ها نیز اثرات منفی آن نمایان شود، به نوعی که با مقایسه کردن

خود با دیگران و میزان نابرابری با دیگران نفوذ کرده، به شدت احساس نابرابری و ظلم می‌کنند. نتایج این بخش با نتایج شرافت و یاری (۱۳۹۱) در تضاد و با افتخاری و همکاران (۱۳۸۷) همخوانی دارد. از دیگر حوزه‌هایی که مصاحبه افراد بیشتر آن را نمایان می‌کند، مبحث میزان درآمد است. در اوایل به دلیل پیشینه فقیر گذشته مردم منطقه مرزی بهبود درآمد به کلی حس می‌شد و مردم راضی بودند و به نسبت بازار و تجارت به مانند امروز سرمایه‌بر نبود؛ ولی امروزه با بستن هر چند وقت یکبار بازارچه‌ها، افزایش تعداد کولبران، پبله‌وران، باربران و حتی دستفروشان درآمد مردم کاهش پیدا کرده است، و جایگزینی مناسبی برای آن ندارند. در بحث در زمینه قاچاق کالا، بیشتر مصاحبه شوندگان به این نکته اشاره کردند که ایجاد بازارچه‌ها منجر به کاهش ورود و خروج کالاهای قاچاق در منطقه شده است. ولی نمی‌توان آن را به کلی منکر شد، چون امروزه نیز وجود دارد و حتی با بسته شدن بازارچه‌ها که از سیاست‌های اقتصادی دیگری سرچشمه می‌گیرد، در بعضی مواقع شاهد افزایش قاچاق کالا هستیم. نتایج این بخش با نتایج کامران و همکارانش در سال ۱۳۸۸ همخوانی دارد؛ ولی با نتایج عبده‌زاده در سال ۱۳۹۲ در تضاد می‌باشد. در ارتباط با مشاغل صنعتی - تولیدی خرد نتایج به خوبی نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی در این مناطق جلوه آن را به کمترین حد خود رسانده است. بنابراین این امر مهم منتج می‌شود که با بروز بازارچه‌ها و اقدامات اقتصادی به کلی صنایع خرده‌پا و تولیدی به تحلیل رفته است و در ذهنیت افراد این مناطق امروزه جایگاهی ندارند. بحث دیگری که قابل بیان است مبحث حوزه فرهنگی و تحصیلی جوانان در این دو شهرستان مرزی است. با سیاست‌های اقتصادی و همچنین عوامل تشدید کننده دیگر شاهد ترک تحصیل اکثر نوجوانان و جوانان مرزی در مقایسه با سایر شهرستان‌های استان هستیم که این خود یکی از آثار منفی وجود بازارچه‌ها در منطقه بوده است. افراد ساکن بنابر تجربه خودشان بر این باور بودند که از زمان برپایی این بازار و رونق گرفتن آن جو آموزشی و کلیت نهاد نظام آموزش دچار رنگ‌باختگی شده است. علل بازار از دیگر سو و حالت طردی نظام آموزشی از طرف دیگر مزید بر علت این افت شده است. در واقع رونق گرفتن این بازار، به قول جوانان دری گشوده است که می‌توان گزینه خوبی برای کل کاستی‌های، از لحاظ تأمین زندگی آینده باشد. بنابراین وقتی با این خیل عظیم رونق در بازار مواجه می‌شوند، توان تاب‌آوری آن‌ها برای صبر کردن به حقوق ناچیز یک دهه دیگر، آنهم به شرط استخدامی؛ پایین می‌آید (نتایج این بخش فرهنگی با نتایج احمدی، ۱۳۹۵؛ باینگانی، ۱۳۹۳؛ رضانی، ۱۳۹۱) مساوی است. یکی دیگر از نتایجی که قابل بحث است، تغییر ارزش‌های فرهنگی و پایه‌های منزلت دهی به افراد است. امروزه با سیاست‌های اقتصادی پیش گرفته شده در مناطق مرزی در طول ۱۵-۱۰ سال شاهد رشد بی‌چون چرا منزلت یابی دلانان اقتصادی هستیم، که از تمام

سرمایه وجود، سرمایه اقتصادی و قدرت پول بالایی دارند. بنابراین یکی پیامدهای منفی سیاست‌های اقتصادی در این نواحی تغییر ماهیت منزلت از دید سنتی و فرهنگی و حتی مذهبی به منزلت به مدد ارز، کالاهای لوکس، جشن‌های آن‌چنانی، ماشین‌های نمایشی و چشم و هم‌چشمی‌های اقتصادی است. که این از سویی باعث زوال ارزش منزلت فرهنگی و طرد افراد فقیر؛ و از سویی دیگر باعث بروز رفتار مصرفی می‌شود؛ و دارایی مالی را به‌عنوان معیاری برای عامه مردم، تبدیل می‌کند.

منابع

- احمدرش، ر. (۱۳۹۱) *تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای ورود عناصر مدرن به کردستان*، فصلنامه علمی و پژوهشی توسعه شهری و روستایی دانشگاه تهران، سال اول، شماره ۱۲۳، ۴-۱۴۱.
- احمدرش، ر. (۱۳۹۷) *دیالکتیک مرز و توسعه، تحلیل دشواری‌های توسعه پایدار در مناطق مرزی غرب کشور*، فصلنامه توسعه محلی دانشگاه تهران، دوره ۱۱، شماره ۲، ۲۴۵-۲۶۸.
- احمدی، ه. (۱۳۹۵) *تبیین جامعه‌شناختی هژمونی بازار و تحولات جوانان در مناطق مرزی (مطالعه موردی: شهر بانه و دهستان سوی)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- وزارت بازرگانی، معاونت بازرگانی خارجی (۱۳۸۰) *ارزیابی مبادلات مرزی در اقتصاد کشور*، تهران.
- ازکیا، م.؛ ایمانی جاجرمی، ح. و دیگران (۱۳۸۴) *روش‌های کاربردی تحقیق: کاربرد نظریه بنیانی*، تهران.
- امین‌زاده، ف. (۱۳۹۰) *صد سال تاریخ اقتصاد بانه*، نشر آنا.
- اداره کل مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی کشور (۱۳۷۱) *آیین‌نامه اجرایی بازارچه‌های مرزی*.
- باینگانی، ب. (۱۳۹۳) *مطالعه جامعه‌شناختی تغییرات اقتصادی و پیامدهای فرهنگی در مناطق کردنشین (اتنوگرافی انتقادی بازار مرزی بانه)*، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، رشته جامعه‌شناسی، پایان‌نامه برای دریافت درجه دکتری.
- دل‌پسند، ک. (۱۳۹۶) *توسعه محلی و کارگزاران تغییر*، رساله دکتری جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه تهران.
- ذکائی، م. (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی جوانان ایران*، انتشارات آگاه، چاپ اول.
- رکن‌الدین افتخاری، ع.؛ پاپلی یزدی، م. و عبدی، ع. (۱۳۸۷) *ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی بازتاب‌های توسعه مناطق مرزی، مورد مطالعه: بازارچه شیخ صالح*، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره دوم.
- رمضانی، ق. (۱۳۹۱) *بررسی دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان مقطع متوسطه در خصوص نقش مناطق تجاری مرزی شهرهای بانه و مریوان بر وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان*، دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد.
- زرقانی، س. (۱۳۹۱) *تحلیلی سیاسی فضایی بازارچه‌های مرزی در اقتصاد ایران (نمونه موردی بازارچه مرزی باشماق مریوان)*، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره شانزدهم، شماره یک، صص ۲۳-۲.
- شرافت، س. و یاری، م. (۱۳۹۱) *نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه روستایی مناطق مرزی (مورد مطالعه: بازارچه مرزی مهران)*، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت: چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ضرابی، ا. و شاهینودی، آ. (۱۳۸۹) *تحلیلی بر پراکندگی شاخص‌های توسعه اقتصادی در استان‌های ایران*، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۳۲-۱۷.
- طالب‌م. و عنبری، م. (۱۳۸۵) *دلایل ناکامی نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران عصر پهلوی دوم*، نامه علوم اجتماعی، شماره پیاپی ۲۷، ۴۳-۴۷.
- طحاری مهرجردی، م. و همکاران (۱۳۹۰) *رتبه‌بندی استان‌های کشور جمهوری اسلامی ایران از لحاظ دسترسی به شاخص‌های بخش بهداشت و درمان*، نشریه مدیریت اطلاعات سلامت، دوره ۹، شماره ۳، صص ۳۶۹-۳۵۶.
- عبده‌زاده، س. (۱۳۹۲) *بررسی تأثیر بازارچه‌های مرزی بر کیفیت زندگی روستائیان مرزنشین مورد مطالعه: بازارچه‌های مرزی و روستاهای منتخب شهرستان مریوان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی فلیک، ا. (۱۳۹۲) *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*، تهران، نشر نی.

- کامران، ح. (۱۳۸۹) *تحلیل کارکرد بازارچه مرزی باجگیران*، نشریه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال ششم، شماره ۱۹ و ۱۸.
- محمودی، ع. (۱۳۸۱) *بررسی موانع و مشکلات بازارچه‌های مرزی*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۱۳ و ۱۰.
- محمودی، ع. (۱۳۸۳) *ساختار مبادلاتی بازارچه‌های مرزی در بازرگانی و اقتصاد مناطق مرزین*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- مراتب، م. (۱۳۸۴) *نگاهی به منطقه آزاد ارس*، استانداری آذربایجان غربی.
- وبلن، ت. (۱۳۸۳) *نظریه طبقه مرفه*، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
- وزارت بازرگانی (۱۳۸۰) *ارزیابی مبادلات مرزی در اقتصاد کشور*، معاونت بازرگانی خارجی.
- Asente, C.W. (2012) **Unraveling the health- related challenges of women in the informal economy: accounts of women in cross- border trading in Accra, Ghana**, *Geojournal*, volum,4,p,112-143.
- Chandoevrit, w. (2004) *Thailand's cross border economy*, a case study of sakaeoand Chiangrai; Thailand development resources institute
- Danaeefard, H. (2006) **Theorizing using the inductive approach: conceptualization strategy of fundamental theory**. *Behavior* 12 (57): 11.
- Darlington, Y. and Scott, D. (2002) **Qualitative Research in Practice** Stories from the Field. Singapore, South Wind Productions.
- Hadder, H.(2003) **Urbanization and Regional Development**, Maruzen, Planning: Mixing data,experts and Gis p, 3.
- Hassmanns, R. (2004) *Measuring the informal economy*: From employment in the informal, sector to informal employment. ILO Geneva, Working paper (53).
- Jones, Phillip N.; Wild, Trevor (1994) **"Opening the Frontier: Recent Spatial Impacts in the Former Inner- German Border Zone"**. *Regional Studies*, Vol. 28, No. 3: 259-273.
- Kratke, S. (1998) *Regional integration or fragmentation?* The German-Polish border region in a new Euorope, regional studies,Vol, 33. 7.
- Leeboupao, L. Phonesaly S, Phetsamone, S, Souphith, D, Vanthana (2004) *Lao PDR Cross Border Economy*, Case Study In Dansavanh, Savannakhet, and Houaysai/ Tonpheung, Lao PDR ,National Economic Research Institute. 44-59
- Pál, A. (2011) *New results of cross border cooperation*: The impact of border zones location on spatial feature of SZEGED'S trade, The Department of Social Geography and Regional Development Planning Humanitarian Policy Group Overseas Development Institute 111 Westminster Bridge Road London of the University of Debrecen & Institute forEuroregional Studies.
- Phangaphanga, C. (2007) **Integrating Rural Development and Export Trade**; Government of Malawi, Ministry of Industry, Trade and Private Sector Development.
- Schneider, F.(2005) *Shadow Economies Around the World: What Do We Really Know?*, *European Journal of Political Economy*, Vol. 21.
- Streeten, E. (1997) **The special Problems of Small countries**, *World Development*,
- Stryjakwics, T. (2008) *The changing role of border zones in the transferring economic of East- central Europe*: The case of Poland, *Geogoiurnal*, vol, 44, No. 3.